به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه بر نگذرد

دانشگاه زنجان

دانشکده علوم انسانی

پایان نامه

برای دریافت درجهٔ کارشناسی ارشد

زبان و ادبیات فارسی

موضوع:

سمبولیسم اجتماعی در شعر معاصر با تکیه بر آثار نیما یوشیج، مهدی اخوان ثالث و احمد شاملو

استاد راهنما:

دکتر بهروز ژاله

استاد مشاور:

دکتر مجتبی بشردوست

نویسنده:

نیما دولتشاهی

پاییز ۱۳۸۹

تقدیم به مادر عزیزم

خورشیدی که با نور وجودش زندگیم را روشنی بخشید

با سپاس فراوان از استادان گرامی آقای دکتر ژاله(استاد راهنما) و آقای دکتر بشر دوست(استاد مشاور) که اگر راهنمایی و مشاوره ی این دو بزرگوار نبود انجام این کار آن گونه که باید میسّر نمی گردید.

و همچنین از آقای رشید کاکاوند استاد عزیزم که در تمام مراحل تحصیل مشوّق و راهنما و همواره پاسخ گوی پرسش هایم بودند. وخانم یاسمن دولتشاهی و آقای سامان اصفهانی و همه ی دوستان و عزیزان دیگری که در انجام این مهمّ یاری ام کردند بی نهایت سپاس گذارم.

فهرست مطالب

چکیده	۱
مقدمه:	۳-۱۹
۱- نماد خصوصی یا شخصی	۱۲
۲- نماد قرار دادی یا عمومی	۱۳
- نماد ادبی و اقسام آن	۱۳
- تفاوت استعاره و نماد	۱٤
- تفاوت تمثیل ونماد	۱٦
- رمز وسمبل	۱۸
فصل اول	۲۰-۳٦
تصویر نمادین	۲۱
۱- ماهیت تصویر نمادین	۲۲
۱,۱) گنگی ذاتی	۲۳
۲,۱) اتحاد تجربه و تصویر	۲٤
۳,۱) چند معنایی یا بی معنایی	۲۵
٤,۱) تأویل پذیری	۲٦
۲- کارکرد تصویر نمادین	۲۷
۱,۲) نمایش کل به وسیله ی جزء	۲۷
۲,۲) گذرگاه ورود به عالم باطن	۲۸
۳,۲) سرچشمه ی آگاهی	۲۹
٤,۲) نظام دهنده ی افکار واحساسات	۳۰
۳- تصویر نمادین در بافت شعر	۳۰

۱,۳) نماد خُرد ۳۱
۲,۳) کلان نماد ۳۳
۳,۳) نماد اندامیک ۳۵

فصل دوم ٤٠-٥٤
سمبولیسم عرفانی ٤١
۱- شرح و تفسیر نمادهای عرفانی ٤٢
۲- ابداع وسنت در نمادگرایی عرفانی ٤٤
۱,۲) سنایی، پیشتاز نمادگرایی در شعر عرفانی ٤٥
۲,۲) نمادگرایی عطار ٤٨
۳,۲) نمادگرایی مولوی ٥١
۳,۳) نمادگرایی حافظ ٥٢

فصل سوم ٥٥-٨١
سمبولیسم در شعر معاصر ٥٥

- سمبولیسم ٥٦
- بیانیه ی سمبولیسم ٦٠
- اصول سمبولیسم ٦٢
- اوضاع اجتماعی- سیاسی حاکم بر شعر معاصر ٦٥
۱- کارکرد تصویر نمادین در شعر نو ٧٠
۱,۱)گذرگاه ورود به عالم باطن ٧٠
۲,۱)القا کننده ی احساس ٧٠
۳,۱)نظام دهنده ی افکار و احساسات ٧١
۲- خاستگاه نماد ٧١
۱,۲) طبیعت ٧١
۲,۲) آیین های ملی و اساطیری ٧٢

۳,۲) دین و مذهب ۷۳

۳- قلمرو معنایی نماد ۷٤
۱,۳) نمادگرایی انسانی ۷۵
۲,۳) نمادگرایی فراروندە(آرمانی) ۷۵

- سمبولیسم اجتماعی در شعر نو ۷۷
- تفاوت نماد پردازی عرفانی و سمبولیسم اجتماعی ۷۸
- نماد ارگانیک در شعر نو ۸۱

فصل چهارم
سمبولیسم اجتماعی در شعر نیما یوشیج،
مهدی اخوان ثالث واحمد شاملو ۸۲-۱۵۲

سمبولیسم اجتماعی در شعر نیما یوشیج ۸۳

- نیما یوشیج ۸٤
- دلایل گرایش به نماد و زبان نمادین در شعر نیمایی ۸۸
- تحلیل سمبل های اجتماعی- سیاسی در شعرنیما یوشیج ۹۵

سمبولیسم اجتماعی در شعر مهدی اخوان ثالث ۱۱۷
- مهدی اخوان ثالث ۱۱۸
- اخوان و سیاست ۱۱۹

- گرایش های سیاسی ۱۲۱

- تحلیل سمبول های اجتماعی- سیاسی در شعر اخوان ثالث ۱۲۲

سمبولیسم اجتماعی در شعر احمد شاملو ۱۴۸

- احمد شاملو ۱۴۹

- تحلیل سمبول های اجتماعی- سیاسی در شعر احمد شاملو ۱۵۲

اعلام نمادها ۲۰۹

Abstract ۲۱۴

منابع و مآخذ ۲۱۵

چکیده

اندیشه ی جست و جو گر آدمی همواره در تلاش بوده که از پس همه ی اشیا و جانداران مفهومی فراتر قراردهد. نماد ها دنیایی پر رمز و راز و پنجره هایی به افقی گسترده از بر داشت ها و تجربیات مختلف انسان هستند.

« سمبل» از مهمترین مباحثی است که در کلام ادبی به کار گرفته می شود. بهره مندی از «سمبل» در کلام، گونه ای از کلام ادبی را به وجود می آورد که زیبایی و جذابیت آن نظر مخاطبان را بیشتر از دیگر گونه ها به خود جلب می کند. چرا که مطالعه ی متون سمبلیک خواننده را نا خواسته به فکر و تأمل وا می دارد تا به عمق کلام پی ببرد و از حلاوت و شیرینی این کشف بهره مند شود.

گروهی از ادبا به خصوص شعرای ایران در به کار گیری « سمبل» در سخن خود توفیقات چشمگیری حاصل نموده اند. و از این طریق نیز راهی به میدان پژوهش و تحقیق برای اهل ادب و هنر گشوده اند.

هدف از نگارش این پایان نامه تحلیل و بررسی نماد های اجتماعی در شعر معاصر با تکیه بر اشعار نیما یوشیج، مهدی اخوان ثالث و احمد شاملو است.این تحقیق در چهار فصل تدوین یافته است.

ابتدا در بخش مقدمه به تعاریف و کلیّاتی درباره ی سمبل پرداخته شده است. فصل اول به اجمال در بر گیرنده ی این مباحث است : تصویر نمادین، کارکرد تصویر نمادین و تصویر نمادین در بافت شعر.

فصل دوم سمبولیسم عرفانی: شرح و تفسیر نماد های عرفانی، بانگاهی به نماد های چهار شاعر بزرگ (سنایی، عطار، مولوی و حافظ). فصل سوم سمبولیسم در شعر معاصر: مکتب سمبولیسم، اوضاع اجتماعی حاکم بر شعر معاصر، خاستگاه نماد، قلمرو معنایی نماد، سمبولیسم اجتماعی در شعر نو و... .

ودر فصل چهارم به دلایل نمادگرایی در شعر نیمایی و تحلیل و بررسی نماد های اجتماعی سه شاعر بزرگ معاصر: نیما یوشیج، اخوان ثالث و احمد شاملو پرداخته شده است.

حاصل این تحقیق، تحلیل و بررسی نماد های اجتماعی- سیاسی و جایگاه آن ها در شعر شاعران مورد نظر است.که بیشترین تأثیر پذیری را از اوضاع و احوال اجتماعی – سیاسی داشته اند.

واژه های کلیدی: **شعر نمادگرا، سمبل، نمادگرایی اجتماعی، نیما، اخوان، شاملو.**

مقدمه

رمز با تمام وسعت مفهومی و معنی خود می تواند معادلی برای واژه ی« سمبل» در زبان های اروپایی باشد. این کلمه که به انگلیسی«symbol » وبه ایتالیایی «symbolo»نوشته می شود،در اصل یونانی از جز syn=sym و «ballein» ساخته شده است. جزء اول این کلمه به معنی« با»، « هم»،« باهم» و جزء دوم به معنی «انداختن»،« ریختن»،« گذاشتن»،« جفت کردن» است. پس کلمه ی «symballein» (syn=sym + ballein) به معنی با هم انداختن، با هم ریختن، با هم گذاشتن، با هم جفت کردن، است. و نیز به معنی شرکت کردن، سهم دادن، مقایسه کردن. کلمه ی «symbole» در یونانی از همان اصل است و به معنی« نشانه» یا« علامت» به کار می رود.[1]

نشانه از دیدگاه سوسور:"سوسور الگویی«دو وجهی» یا دو قسمتی از نشانه ارائه می کند. از دید او نشانه تشکیل شده است از :

"دال"، تصویر صوتی. و " مدلول"، مفهومی که دال به آن دلالت می کند.

از دید سوسور نشانه ی زبانی نه یک شئ را به یک نام، بلکه یک مفهوم را به یک تصور صوتی پیوند می دهد. تصور صوتی آوایی مادی نیست که جنبه ی فیزیکی داشته باشد، بلکه اثر ذهنی این آواست و حواس ما نمایشی از آن را ارائه می دهد؛ نشانه ی زبانی محسوس است و اگر برآن می شویم که آن را «مادی» بنامیم، تنها به همین معنی و برای تقابل با وجه دیگر تداعی، یعنی مفهوم است که معمولاً

۱- پورنامداریان، تقی،رمز و داستان های رمزی،ص ۵.

مجردتر می نماید.نشانه کلیتی است ناشی از پیوند بین دال و مدلول، رابطه ی بین دال و مدلول را اصطلاحاً "دلالت" می نامند."[1]

پیرس می نویسد:«سه نوع نشانه وجود دارد؛ نخست مشابهات یا شمایل ها؛ که تصوراتی از چیزهایی را که می نمایند صرفاً از طریق تقلید تصویری آن ها به دست می دهند. دوم شاخص ها یا نمایه ها؛ که از طریق ارتباط فیزیکی با چیزها، به آن ها دلالت می کنند... . سوم نمادها، یا نشانه های عام، که از طریق کاربرد با معناهایشان پیوند یافته اند.بیشتر واژه ها از این نوعند.»[2]

پیرس و سوسور واژه ی نماد را به دو معنی متفاوت به کار می برند."بر اساس رویکرد پیرسی« زبان یک نظام نشانه ای نمادین است.» اما سوسور از نماد نامیدن نشانه های زبانی اجتناب کرده است، زیرا این واژه در کاربرد روزمره اش در مورد نمونه هایی مانند ترازو نماد عدالت است، به کار می رود.و سوسور معتقد بود که چنین نشانه هایی هرگز به طور کامل دلبخواهی نیستند. این نشانه ها ترکیب بندی هایی تهی نیستند آن ها دست کم نشانی از ارتباط طبیعی را با خود دارند، ارتباط طبیعی بین دال و مدلول، پیوندی که سوسور آن را «عقلانی» نامیده است. اما از دید پیرس« نماد نشانه ای است که به موجب یک قانون بر ابژه ی خود دلالت می کند» ما نمادها را بر اساس یک قاعده یا یک ارتباط همیشگی تفسیر می کنیم."[3] «نماد فارغ از هر نوع تشابه یا قیاس با ابژه اش و هم چنین فارغ از هر نوع ارتباط واقعی با آن، بلکه صرفاً به دلیل آن که در حکم یک نشانه تفسیر می شود، به نقش خود عمل می کند.»[4]

۱- سجودی، فرزان، نشانه شناسی کار بردی، ص ۳۰.
۲- همان، ص ۳۲.
۳- همان،ص ۳۵.
٤- همان، ص ۳٦.

در کتاب فرهنگ اصطلاحات ادبی جهان نیز ضمن اشاره به معانی مختلف رمز یا سمبل آمده است:« رمز عبارت از چیزی است که نماینده ی چیز دیگر باشد، اما این نماینده بودن نه به علت شباهت دقیق میان دو چیز است. بلکه از طریق اشاره ی مبهم یا از طریق رابطه ی اتفاقی و قراردادی است.» و بعد اضافه می کند: « یک علامت تنها یک معنی دارد. اما یک رمز به علت استعداد تنوع پذیرش مشخص می شود»[۱]

اریک فروم(Erich fromm):« چیزی را که مظهر و یا نمودار چیزی دیگر باشد را سمبل می خوانیم و این تعریف بسیار گنگ است؛اما وقتی سمبل هایی از نوع جنسی مثلاً بینایی، شنوایی، بویایی و لمسی را ملاحظه می کنیم که برای نمایش چیز دیگر بعضی حالات و تجربیات عاطفی و درونی و با افکار انسانی به کار رفته است، مسئله جالب تر به نظر خواهد آمد. در این جا با نوعی سمبل رو به رو هستیم که در خارج از وجود ما قرار دارد و نمودگاری است از یک احساس درونی ما.زبان سمبلیک به همین منوال زبانی است که تجربیات و احساسات درونی انسان را مانند تجربیات حسی توصیف می کند، درست مثل این که انسان به انجام کاری مشغول بوده یا واقعه ای در دنیای مادی اشیا برایش اتفاق افتاده باشد. در زبان سمبلیک، دنیای برون مظهری است از دنیای درون یا روح و ذهن ما.[۲]

"اریک فروم، پس از تعریف رمز آن را به سه نوع تقسیم می کند که عبارت اند از : رمزهای متعارف (قراردادی)«the conventional symbols »،رمزهای تصادفی«the accidental symbols»، رمزهای همگانی(جهانی)«the universal symbols».

۱- پورنامداریان، تقی، رمز و داستان های رمزی، ص ۹.
۲- همان، ص ۱۰ و ۱۱.

الف) رمزهای متعارف یا قراردادی رمزهایی است که متضمن پذیرش ساده ی یک وابستگی پایدار است میان رمز و چیزی که رمز مظهر آن است. این وابستگی عاری از هر گونه اساس طبیعی یا بصری است. مثلاً میان کلمه ی «میز» یعنی حروف«م،ی،ز» و شئ میز، که قادر به دیدن و لمس کردن آن هستیم، هیچ رابطه ی ذاتی و اساسی وجود ندارد. و تنها دلیلی که ما کلمه ی میز را جانشین اصل آن- یعنی شئ میز_ کرده ایم رسم و عادت و قرارداد است همین طور بسیاری از علایم که در صنعت و ریاضیات و دیگر حوزه ها به کار می روند از این قبیل اند.

ب) رمزهای تصادفی رمزهایی است که صرفاً از شرایط ناپایدار ناشی می شود و مربوط به بستگی هایی است که ضمن تماس عِلّی حاصل می گردد.این رمزها، برخلاف رمزهای متعارف،انفرادی اند و کس دیگری در درک آن ها شریک نیست، مگر اینکه وقایعی را که سمبل یا رمز به آن مربوط است نقل کنیم.مثلاً فرض کنید واقعه ای اندوه بار در شهر معینی برای شما اتفاق افتاده باشد،به راحتی ممکن است که نام این شهر را با عاطفه ی غم و اندوه مربوط کنید.به همان ترتیب رخ دادن یک واقعه ی شاد و خوش حال کننده می تواند نشاط را با نام شهر یا مکانی دیگر مرتبط کند. پر واضح است که این، صرفاً تجربه ای شخصی است و قابل انتقال به دیگران نیست. به همین دلیل رمزهای تصادفی در اساطیر و قصه ها و آثار هنری که به زبان رمز نوشته شده اند کمتر مورد استفاده قرار می گیرند، مگر آن که در مورد هر کدام از آن ها نویسنده شرح و تفسیر کامل ذکر کند. با این همه رمزهای تصادفی در رؤیا زیاد جلوه می کنند.

ج) رمزهای عمومی یا جهانی رمزهایی هستند که ذاتاً با پدیده ی مورد اشاره ی خود رابطه دارند... تجربه ی حسی یک محیط فقیر و غریب و خالی رابطه ای گویا با عاطفه ی اظطراب و گمگشتگی

دارد، به شرطی که انسان قبلاً با چنین وصفی روبه رو شده باشد؛ چون اگر هیچ وقت در اطراف شهر با چنین وضعی رو به رو نشده باشیم، استفاده از این رمز برایمان ممکن نخواهد بود... تعداد رمزهای همگانی و جهانی قابل درک برای همه ی انسان ها کم نیست. مثلاً رمز آتش را در نظر گیریم که بعضی از مشخصات آن حرکت و مداومت حالت زندگی و تغییر و تبدیل مداوم آن را مسحور کرده و به ما احساس قدرت، انرژی، لطف و چابکی می دهد. گویی انرژی آتش پایان ناپذیر و رقص آن جاودانی است، هر وقت از واژه ی آتش به عنوان رمز استفاده می کنیم تجربه ی درونی ما که مقارن با درک حسی آتش است چیزی جز احساس قدرت، چابکی، تحرک، لطف و نشاط نیست؛ منتها گا یکی از این عوامل و گاه یکی دیگر بر احساسات ما تسلط بیشتری خواهد داشت. اریک فروم نتیجه می گیرد که:

چندان هم تعجب آور نیست که یک پدیده یا رویداد مادّی برای ابراز احساس و تجربه ی درونی انسان کفایت کند و دنیای مادی به عنوان سمبلی از دنیای ذهن به کار رود.همه ی ما می دانیم که جسم ما آیینه ی ذهنمان است. در هنگام خشم خون به سر و صورتمان هجوم می برد و در هنگام ترس، رنگ از رویمان می پرد. وقتی عصبانی می شویم قلبمان به تندی میزند... در حقیقت جسم ما سمبلی از ذهن است...عواطفی که احساس شده اند و نیز افکار اصیل ما بر تمامی وجود ما اثر می گذارند و این رابطه ی بین جسم و روان ما درست همان رابطه ای است که در مورد سمبل های جهانی بین ماده و معنی وجود دارد. یعنی برخی از پدیده های جسمانی، به علت ماهّیت مخصوص خود، تجربیات عاطفی و ذهنی خاصی را القا می کنند و به طور سمبلیک جانشین آن ها می شوند. سمبل های جهانی با آن چه که جانشین شده اند رابطه ای ذاتی و درونی دارند و ریشه های این رابطه را در وابستگی کاملی که بین

یک عاطفه یا فکر در یک سوی، و یک تجربه ی حسی در سوی دیگر وجود دارد باید جست و جو کرد."[1]

* هانری دورنیه:« نماد عبارت است از مقایسه ی انتزاعی با عینی در حالی که به یکی از معیارهای مقایسه[فقط] به طور ضمنی اشاره شود.»[2]

* رمز یا نماد کلامی است که در عین اختصار مفهومی وسیع از مرموز را در نهاد خود دارد. آن هم به واسطه ی عامل یا عواملی از شباهت که مابین این دو در اندیشه ی گوینده تداعی می شود. و از طریق استفاده از رمز به جای مرموز به ذهن مخاطب انتقال می یابد. که البته امکان بر داشت های متفاوت در این مقوله از جانب مخاطبین بسیار است.

* نماد چیزی است که چیزی دیگر را از طریق مقیاس یا تداعی نشان دهد، مانند رنگ سفید که معمولاً نماد بی گناهی، و گل سرخ که نماد زیبایی است.[3]

انسان از بدو وجود، در محیط اطراف خود با پدیده های بسیاری برخورد نمود که همگی موجبات شگفتی و حیرت او را بر می انگیختند. او از آغاز همواره کوشید تا پیرامون خود را بشناسد. لازمه ی این شناسایی برقراری ارتباط میان موجودات جهان بود. این ارتباط بسیار ساده و ابتداعی آغاز شد، چنان که انسان های اولیه با ایجاد صداهای متفاوت با یکدیگر ارتباط برقرار می کردند. نقاشی های ساده ی باقی مانده بر روی تخته سنگ ها در غارها که محل زندگی بشر بوده حاکی از میل انسان به برقراری ارتباط و اجتماعی زیستن اوست. انسان در این وادی همیشه در جهت ترقی و پیشرفت گام برداشته تا آن جا که به واسطه ی توانایی های خود قادر به کشف زبان شد. و از این طریق توانست

۱- پورنامداریان، رمز و داستان هی رمزی در ادب فارسی، ص ۱۱- ۱۳.
۲- چدویک، چارلز، سمبولیسم، ص ۱۰.
۳- میر صادقی، میمنت، واژه نامه هنر شاعری، ص ۲۸۱، واژه ی نماد.

بهترین و پیشرفته ترین ارتباط را با هم نوعانش برقرار نماید. بشر زمانی توانست به این کشف بزرگ نائل شود که فهمید باید برای هر پدیده ای که در اطراف او وجود دارد. نامی برگزیند و آن را به سهمی خاص بشناسد. پس هر کلمه نزد او نمادی از یک موجود بود. به صورتی که آن کلمه یا بهتر بگوییم همین نماد همه ی ذهنیات بشر را در مورد آن موجود خاص به بیان می کشید. این رمزها و نمادها در نزد انسان همراه با پیشرفت او ارتقاء می یافتند و پیش از بیش برقراری ارتباط را بین افراد بشر ممکن می ساختند. با توجه به این مطلب می توان گفت: رمز در ابتدا به کلمه یا کلامی گفته می شد که معرف چیزی بود؛ اما بعدها با پیشرفت و ترقی بشر و ذهن و اندیشه ی او رمزها نیز پیشرفت نمودند و در نتیجه ارتباط افراد جامعه ی بشری را عمیق تر و جدی تر ساختند. اما هیچ کدام از رمزهای اولیه از بین نرفتندوفقط در بخشی از ضمیر ناخودآگاه انسان جای گرفتند.به همین خاطر است که بررسی پیشینه ی هر کس منوط است به رجوع به ضمیر ناخودآگاه او تا اینکه مرحله به مرحله پرده از ساختار وجودی او برداشته شود. و مورد شناسایی و بررسی قرار گیرد.

رمزها پس از گذشت دوره های مختلف زندگی بشر به پختگی تمام رسیدند چنان که دیگر آن چه که در زبان محاوره به کار می رفت رمز محسوب نشده و امروز رمز با پیچیده ترین شکل خود در ادبیات جای دارد. به طوری که در بخش ادبیات از رمزها برای بیان درونیات بشر استفاده می شود. و این امکان سخن گفتن انسان را در هر زمینه ای بیش از پیش ممکن می سازد.

با توجه به این مطلب که در ابتدای خلقت افراد بشر جهت برقراری ارتباط با یکدیگر برای هر چیز رمزی بر گزیدند و بعد ها این رموز پیشرفت نمودند تا این که اکنون به شکلی کاملاً پیچیده در آثار ادبی که زاییده ی ذهن و اندیشه ی خلاق و تعالی بشر است در آیند، می توان این تعالی و پیشرفت را

انتقال از رمز به سمبل دانست. به عبارت دیگر می توان گفت سمبل به کار بستن پیچیده ترین نوع رمز ها است. سمبل بیانگر وجود چیزی است به شکل غیر مستقیم اما عین آن چیز یا شئ را بیان نمی کند؛ بلکه به خاطر وجود رابطه و تناسب یا شباهتی جزیی می تواند بیانگر و معرف آن چه که مورد نظر ادیب است باشد، در آثار سمبولیک تناسب و رابطه ی میان سمبل و آن چه که سمبل نماینده ی آن است آشکار و مکشوف نیست. و چنین امری موجب لذت بخشی بیشتر اثر سمبولیک می شود.

در این مورد استفان مالارمه می گوید : « ادای تام موضوع بخش عمده ی لذت نهفته در شعر را تباه می کند چه این لذت همان روند کشف و ظهوری تدریجی است.» و در ادامه می گوید ؛« سمبولیسم عبارت است از کار بست کامل این روند اسرارآمیز»[۱]

سمبل ها را می توان از دو جنبه مورد بررسی قرار داد. گروهی سمبل های رایجی هستند که در جهان پیرامون ما وجود دارند. و درک و لمس آن ها برای بشر ممکن است؛ در نتیجه بشر در فهم آن ها دچار اشکال و سختی نیست. اما دسته ی دوم که بیش از گروه اول کاربرد دارند. سمبل هایی هستند که جایگزین مفاهیم خاص می شوند. مفاهیمی که برای افراد به طور طبیعی قابل فهم و درک نیست و انسان از این طریق می کوشد تا به شرح آن به طور غیر مستقیم بپردازد.

بهترین مؤید بر این کلام، اشعار عرفانی است. این گونه اشعار با به کارگیری سمبل ها به معرفی آن چه که از حواس انسان به دور است، می پردازد و در نتیجه لذتی فراوان برای افراد به همراه می آورد.

بودلر(baudelair) می گوید: « از طریق و به واسطه ی شعر است که چشم و جان، شکوه و زیبایی آن سوی گور را می بیند.»[۲]

۱- چدویک، چارلز، سمبولیسم، ص ۱۰.
۲- چدویک، چارلز، سمبولیسم، ص ۱۲.

گذشته از اشعار سنتی و کلاسیک، اگر به اشعار معاصر که بیشتر مبین مسائل اجتماعی روز هستند بنگریم آن چه که بیش از همه ی عوامل به بیان شاعر قدرت می بخشد، بهره مندی از همین سمبل هاست. با این تفاوت که شاعر امروز در نیل به اهداف خود از سمبل هایی بهره می برد که بکر هستند. در واقع در گفته های او گزینش واژه ها آفرینشی است شاعرانه که از سر چشمه ی صور خیال شاعر می تراود و نقش می پذیرد.

در کتاب سمبولیسم آمده: « طرفداران سمبولیسم هدف این سبک را جان بخشیدن و تصور کردن ایده ها می دانند.»

مورئاس(moreas)می گوید : « شعر سمبولیک می کوشد ایده را به جامه ی شکلی ملموس در آورد.»[1] در آثار سمبولیسم اصول مهمی وجود دارند. مهمترین اصل در این گونه آثار شکستن نسبت ها و قید و بند ها یی است. که گریبان گیر آثار پیش از این بود.

در این سبک نویسندگان و شعرا کوشیدند. با کمک گرفتن از سمبول ها مطالبی را بیان کنند که پیشینیان آن ها از بیان آن مطالب امتناع می ورزیدند و شاید خود را در خور بیان چنین مطالبی نمی دیدند. علاوه بر این، سمبولیست ها در مورد قالب سخن خود نیز موفق شدند از قوانین دست و پا گیر شعر و قالب سنتی آن سر پیچی نمایند و به طوری آزاد و به دور از قید و بند ها سخن بگویند. نماد را می توان از نظر نوآوری و رواج به دو دسته تقسیم کرد : یکی نمادهایی که شاعر خود ابداع می کند و خصوصی است و دیگرنماد هایی که قراردادی و عمومی اند.

۱- چدویک، چارلز، سمبولیسم، ص ۱۵.

۱- نماد خصوصی یا شخصی (private or personal)

"این نوع نماد، ابداع خود شاعر یا نویسنده و حاصل عوالم روحی و تجربیات ذهنی خاص اوست و پیش از وی کسی آن واژه را در مفهوم نمادین به کار نگرفته است. نمادهای شخصی معنای از پیش معلومی ندارند و تنها با توجّه به زمینه و بافت اثر است که تا حدّی می توان به مفاهیم آنها راه یافت.این نمادها در حقیقت موتیوها یا بن مایه های اثر هنری را تشکیل می دهند و می توانند کلید راه یابی به دنیای فکر و تخیّل آفریننده ی آن باشند. برخی از این نماد های شخصی عبارتند از : « کوزه و کوزه گر» در رباعیات خیام، «رند» در غزل حافظ ، خورشید در اشعار مولانا که سمبل شمس تبریزی است و خدا ،و شیر که نماد خدا و ولی الله است.«شب» و«مرغ آمین» در شعر نیما ،«پوستین » و «قاصدک» در شعر اخوان ،« نازلی» در شعر شاملو و ... ."[1] «در ادبیات انگلیسی درشعری از ویلیام بلیک با نام «رز ناخوش»، گل سرخ به جای آنکه نماد عشقی سالم باشد، به عنوان نماد عشقی ناخوش از بیماری خودخواهی و ریا کاری تصویر شده است.

آه گل سرخ تو بیماری

آن کرم مرموزی

که در شب و در زوزه ی باد پر می کشد

بستر تو را

بستر لذتی خونرنگ یافته است:

۱- فتوحی، محمود، بلاغت تصویر، ص ۱۹۳.